

«خداوند به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در آن جاودانه خواهند بود و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است این است همان کامیابی بزرگ.»

(سوره توبه، آیه ۷۲)



تاریخچه زندان

تتبع ونگارش: مختار: «صفری»

باید یاد آور شد که از تأسیس اولین زندان در افغانستان و اینکه در زمان کدام شاه یا امیر ایجاد گردیده اسناد مؤثق وجود ندارد. ولی با بوجود آمدن حکومت‌های شاهی مطلقه در مناطق معین از طرف شاه برای تأمین عدالت، زندان‌ها ایجاد شده است. عزیزالدین «وکیلی پوپلزایی» در کتاب خویش بنام (دارالقضاء در افغانستان) آورده است «شیر شاه سوری که از جمله قهرمانان ملی افغانستان بود موصوف در زمان محاکمه، عدالت را در نظر می‌گرفت. پیش او خود و رعیت برابر و هیچ تفاوت وجود نداشت. او در ایجاد محاکم و بر قراری عدالت سعی زیاد مبذول می‌داشت، مرد عادل و شریعت پسند و مخالف ظلم بود. همواره از زندان دیدن می‌کرد و عرض مظلوم را می‌شنید.»

حکومت‌های مطلقه و شاهی تا سال ۱۳۴۳ هـ. ش. وجود داشته و پادشاهان صلاحیت به زندان انداختن، تعیین میعاد حبس ورهائی تمام اتباع کشور را دارا بودند. تا این‌که در سال ۱۳۰۲ هـ. ش. اولین نظام نامه توقیف خانه‌ها و حبس خانه‌ها نافذ گردید و شامل (۲۷) ماده، و در ماده اول آن چنین تصریح گردیده بود (در مرکز نائب الحکومه و حکومت‌های اعلی و حکومت‌های کلان، حبس خانه‌ها و علاوه بر آن در دارالسلطنه کابل یک حبس خانه عمومی موجود استند).

در دوره محمد نادر شاه در سال ۱۳۱۲ هـ. ش. دستوری دیگری در باره زندان به نام اصول نامه توقیف خانه‌ها و حبس خانه‌ها نافذ گردید که به موجب مهر توشیح شاهانه محمد نادر شاه اجازه انفاذ داده شد. اما اصولنامه مذکور با یک سلسله اضافاتی که طی فرامین محمد ظاهرشاه صادر گردیده بود تا سال ۱۳۶۱ هـ. ش. نافذ و مری اجرا بود. در دوران پادشاهی محمد نادر شاه و محمدظاهر شاه به زندان و محبس زندان توجه نمی‌شد، زندان در هر ولایت محل فناک، اطاق‌های تاریک که کمتر نور آفتاب در آن می‌رسید و اطاق‌های تنگ و تاریک داشت و هم‌چنان بر خورد کارکنان زندان با زندانیان زشت و نادرست بود.

تاریخچه زندان

هیچ کس نمی‌تواند تاریخ دقیقی برای تأسیس نخستین زندان در تاریخ بشریت ذکر کند، زیرا این مسأله تقریباً به قدیمی‌ترین ایامی که زندگی اجتماعی بشر شروع شد باز می‌گردد، از آن روزی که حکومت به وجود آمد ظاهراً زندانی وجود داشت، بلکه غیر از حکومت افراد دیگری مانند مالکان جبار و ارباب‌های ستمگر، جدال با مجرم و مجرمیت امان انسان را بریده است، در این جدال بی‌امان، انسان از گذشته‌های دور، تا کنون راه حل‌های بسیاری را تجربه کرده است، ولی به نقطه اطمینان نرسیده است، کوشش حقوق دانان، جرم شناسان، جامعه شناسان، و سایر اندیشمندان و صاحب نظران بی وقفه ادامه دارد، تا بتوانند بهترین راه حل را برای مقابله با جرم و مجرم ارائه کنند، یکی از اقدامات برای مقابله با جرایم در جوامع مختلف بشری که از آن استفاده می‌کنند زندان است.

اول- تاریخ بنای اولین زندان انفرادی: در زمان‌های گذشته مجازات با قساوت و شقاوت اجرا می‌شد، و مجازات‌هایی از قبیل زنده به گورکردن، سوزاندن، کور کردن و انواع شکنجه‌های بدنی رواج داشته است، اما با گذشت زمان مجازات حبس به جای کیفر اعدام در نظر گرفته شد و اولین زندان به روش انفرادی در روم بنا شد، معمولاً زندان‌ها در زیر قصرها و یا در قلعه‌ها بنا می‌شد، و اکثر محکومین در زندان‌ها جان می‌سپردند، روحانیون مذهب مسیح، اولین کسانی بودند که با ابراز تنفر از خونریزی خواستار تعدیل مجازات شده و مجازات حبس را به جای کیفر اعدام توصیه کردند برای اصلاح و تربیت زندانیان اقدام و از زندان‌ها بازدید به عمل آوردند.

در سال (۸۱۷) میلادی در مجمع روحانیون مسیحی در روم، مقررات مربوط به اداره زندان‌ها تصویب و تأکید شد زندان‌ها باید جنبه تربیتی و اصلاحی داشته باشد، برای نیل به این هدف زندانیان باید بطور انفرادی نگهداری شده به آنان کار دستی آموخته شود، اجازه خواندن کتاب‌های مذهبی را داشته و روحانیون در زندان‌ها زندانیان را ملاقات و با نصایح سودمند آنان را به راه راست هدایت کنند، در اجرای تصمیمات مذکور در همان سال اولین زندان به روش انفرادی در روم بنا شد، در سال ۱۳۶۶ میلادی روحانیون مسیحی به عنوان این‌که در روش انفرادی زندانی فرصت تأمل و تفکر را دارد و از تنهایی زجر کشیده و از عمل خود نادم و پشیمان می‌شوند و با تحمل مشقت روان پاک و منزه می‌گردند، اجرای روش مذکور تأیید و تغییر نام زندان‌ها را به ندامتگاه تأیید کردند.

ادامه در صفحه ۲

سه سند تقنینی از سوی کمیته قوانین کابینه تأیید شد

تتبع ونگارش: بشیراحمدعزیزی



جلسه را در متن این طرح تنظیم کنند. وزیر عدلیه کشور در این جلسه درباره طرح مقرر تنظیم مدیریت سرمایه گذاری نیز گزارش داد و گفت که این طرح با هدف تنظیم امور مربوط به مدیریت مؤثر پروژه‌های انکشافی سرمایه‌گذاری عامه، تحلیل پروسه پروژه‌سازی سرمایه‌گذاری عامه برای انتخاب پروژه‌های انکشافی براساس اولویت‌های ملی، تخصیص بودجه، نظارت، ارزیابی و گزارش‌دهی از تطبیق پروژه‌های انکشافی تهیه شده‌است.

ادامه در صفحه ۲

اساسنامه غونوی شرکت‌های دولتی که براساس احکام قانون شرکت‌های دولتی تهیه شده، گزارشی را به جلسه ارائه نمود که پس از بحث، مورد تأیید قرار گرفت. در این جلسه، معاون دوم ریاست جمهوری گفت که این طرح هیچ‌گونه مغایرتی با قانون شرکت‌های دولتی ندارد؛ اما اگر نواقصی در احکام قانون یاد شده وجود دارد، بهتر آن خواهد بود که ادارات مسوول برای تعدیل قانون شرکت‌های دولتی اقدام کنند.

در این جلسه با تأیید این طرح، به کمیته تخنیکی متشکل از نمایندگان وزارت مالیه، وزارت تجارت و وزارت عدلیه هدایت داده شد که پیشنهادهای اصلاحی اعضای

کمیته قوانین کابینه جمهوری اسلامی افغانستان طرح‌های سه سند تقنینی را که از سوی وزارت عدلیه به این کمیته ارائه شده بود، مورد تأیید قرار داد. جلسه کمیته قوانین کابینه قبل از ظهر روز یکشنبه، ۲۸ ثور به ریاست سرور دانش، معاون دوم رییس جمهور و اشتراک اعضای این کمیته برگزار شد.

در این جلسه طرح مقرر تنظیم سیستم مدیریت قضایا، طرح مقرر تنظیم مدیریت سرمایه‌گذاری عامه و طرح اساسنامه غونوی شرکت‌های دولتی مورد بحث قرار گرفته و تأیید شد.

داکتر عبدالصیر انور، وزیر عدلیه کشور درباره طرح

آزادی مشروطه در حقوق افغانستان

تتبع ونگارش: محمد اسحاق "کبهان"

عنوان یک رشته مستقل در دانشگاه‌ها به نام دانشکده‌ی فقه و حقوق مطرح است.

۲- حقوق عبارت است: از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان برای بر قراری نظم و قسط و عدل در جامعه‌ای بشری تدوین می‌شود، تا سعادت جامعه را تأمین سازد.

حقوق در این معنی خود بر اساس اندیشه‌ی حقوقی اسلام مجموعه‌ی بایدها و نبایدها است، که همه‌ی شهروندان ملزم به رعایت آن می‌باشد. ۳- حقوق جمع حق، حقوق عبارت از: «مجموعه امتیازات و قدرت قانونی است که شهروندان به لحاظ انسان ماهو انسان در روابط خود با دولت و جامعه آن‌ها را دارند و همه افراد جامعه چه دولتی و غیر دولتی.»

مفهوم مبانی

الف - مبنا در لغت:

۲ مبانی جمع مبنا که این کلمه از ریشه «بنی» مشتق شده است. در لغت به معنی شالوده، پایه بنیان، اساس یک چیز، و زیر ساخت آمده است. که البته معنی اصطلاحی آن فلسفه حقوق نیز از این معنی دور نبوده و به معنی «رگها و ریشه‌های پنهان و نامرئی حقوق و کیفرها» معرفی گردیده است. ولی در عنوان «مبانی مجازات تکمیلی و تبعی» سه معنی متفاوت از واژه مبانی به ذهن می‌رسد.

۱- منشأ مشروعیت مجازات: به این معنی که سرچشمه حق اعمال این کیفرها، از کجا است؟ از آنجا که قوانین جزائی بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های مورد قبول هر جامعه استوار است، لذا این پرسش که با نگاهی فلسفی به ریشه و منشأ قوانین معطوف شده است، در پی آن است که در یابد این کیفرها به چه اعتقادات و نظریاتی وابستگی دارد.

ادامه در صفحه ۲

و موافقت است، او سپس مواردی را برای کار برد حق مشخص می‌کند که به قرار زیر است:

۱- کسی که تمام کارش مطابق حکمت باشد، بر اساس این معنی خداوند و هر فاعلی حکیمی حق است، «ثم ردهو الی الله مولاهم الحق» ولی برترین و کامل ترین حق خداوند می‌باشد.

۲- فعل که به مقتضای حکمت، یا حکیمانه باشد. مانند «ماخلق الله ذالک الا بالحق» خداوند آن را جز بحق نیافرید. و نیز می‌فرماید «ربنا ما خلقت هذا باطل» خداوند، این جهان را باطل نیافریده.

۳- اعتقاد که مطابق حق است، مثل این‌که می‌گویم اعتقاد فلان شخص در مورد بهشت، جهنم، ثواب، عقاب، قیامت و حساب حق است. حق در اصطلاح: اما حق، در اصطلاح دانشمندان علم حقوق، حق معانی مختلف دارد، که مراد از حق در این‌جا عبارت است از طلب، امتیاز و استحقاق که گاهی در مقابل حکم قرار می‌گیرد، یعنی قابل نقل و اسقاط می‌باشد، مثل حق شفعه و حق تحجیر، و امثال آن، و حکم چیزی است که قابل نقل و اسقاط نیست و اراده مکلف در آن دخیل نمی‌باشد. مثل وجوب و حرمت و گاهی هم حق اعم از حکم می‌شود، یعنی ویژگی حق و حکم هر دو را دارد، مثل حق حیات، خلاصه واژه‌های حق چه در معنای لغوی و چه در معنای اصطلاحی آن یک نحوه از «ثبوت» در آن ملحوظ است، خواه این ثبوت تکوینی و حقیقی باشد، که ما به ازاء خارجی ندارد، یک امر اعتباری صرف می‌باشد، مثل ملکیت، زوجیت در این‌جا، یعنی در قلمرو بحث حقوق، مراد همان معنی اعتباری آن می‌باشد. اما در باره واژه‌های حقوق، هم سه معنی متفاوت وجود دارد که باهم مرتبط نمی‌باشد:

۱- مراد از حقوق همان علم حقوق است، که یکی از شاخه‌های علوم انسانی می‌باشد، و امروزه به

امروزه مهم ترین هدف مکاتب کیفری نوین از اجرای مجازات‌ها، اصلاح و تربیت مجرمان و باز گرداندن آن‌ها به جامعه است. در حقیقت میزان تأثیر مجازات بر اصلاح و تربیت مجرمین، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ارزیابی حقوق کیفری محسوب می‌گردد. مجازات حبس نیز در کنار سایر مجازات‌ها به عنوان یکی از مجازات‌های رایج در نظام کیفری معاصر مطرح است. آزادی رفت و آمد و زندگی کردن، طی قرون متمادی سر گذشت پر فراز و نشیبی داشته؛ تا سرانجام در قرن نوزدهم به عنوان مجازات اصلی و با شرایط خاص و مدت معین، به منظور اصلاح مجرمین رواج یافت و از اوایل این قرن به دنبال لغو کیفرهای بدنی، به عنوان جایگزین مناسب مطرح گشت علیرغم اصلاحات متعدد که درخصوص زندان‌ها انجام شده و تلاش‌هایی که به منظور تبدیل زندان به یک نهاد تربیتی اصلاحی صورت گرفته هنوز هم پیامد‌های جرم زای این مجازات از بین نرفته است.

آزادی مشروط فرصتی است که پیش از پایان دوره‌ی محکومیت، به محکومان بند داده می‌شود، تا چنانچه در طول مدتی که محکمه تعیین می‌کند، از خود رفتار پسندیده نشان دهند و دستورات محکمه را به مورد اجرا گذارند، تا از آزادی مطلق از زندان برخوردار شوند، ولی فرض براین است، که این نهاد ارفاقی در کنار احیای اصل فردی کردن مجازات‌ها، سازگار اجتماعی و باز پروری محکومان به حبس را تسهیل می‌کند، و برای مجرم فرصت اصلاح دوباره را می‌دهد، تا خود را دوباره با شرایط جامعه وفق دهد.

مفهوم حقوق

حق در لغت :راغب اصفهانی که از علمای برجسته قرن ششم و هفتم است، می‌گوید «اصل الحق المطابقه و الموافقه». اصل حق، به معنای مطابقت

طلاق و پیامدهای آن

تتبع ونگارش: شفیق الله نبی زاده

ازدواج و طلاق دو واژه که بعضا باعث وصل و شادمانی دو انسان می شود و در برخی موارد موجب فصل وگسستن تعهدات و پیمانی انسانها در برابر همدیگر میشوند. طلاق کلمه ایست که روح و روان ادمها را آزرده و تخریش می کند در صورت وقوع طلاق علاوه بر فروپاشی زندگی مشترک طرفین ازدواج فرزندان آنان نیز دچار مشکلات عدده در پیمودن مسیر نا خواسته زندگی خواهند شد تنها حلال که محقق شدن آن عرش خدا را به لرزه می آورد.

طلاق در حقوق اسلام باوجود مبغوض و منفور بودن آن ضرورت یکی از زوجین و یا هردوی آنان جهت حل مشکل و بیرون رفت از آن معضل می باشد مانند عدم توافق طرفین ازدواج، نفرت داشتن از همدیگر، مصاب بودن یکی از همسران به بیماری غیر قابل علاج و یا سایر موارد یکه باعث عداوت میان زوجین می گردد که به سبب آن یکی از زوجین نمی تواند حقوق جانب مقابل را که مکلف به رعایت ان است اداء نماید. پس برای زوجین راهی جز جدایی نمی ماند در غیر آن اگر راهی بیرون رفت وجود نداشته باشد ممکن زوجین بیشتر از این آسیب دیده و هر قدر که تلاش کنند تا باهم الفت و سازگاری داشته باشند به همان اندازه از همدیگر فاصله گرفته و ادامه زندگی مشترک بر آنان سختتر و تلختر خواهند شد. بنا بر این باید راهی برای جدایی و انحلال زوجیت وجود داشته باشد تا باقی مانده ایام زندگی را بتوانند به خوبی و خوشی سپری نمایند.

با آنکه طلاق در نظام اسلام آخرین راه حل برای مشکلات زوجین در نظر گرفته شده است ولی دین مبین اسلام جهت مصالح خانواده و اجتماع هر یک از زوجین را بر ادامه زندگی مشترک شان و رعایت حقوق و وجایب ناشی از عقد نکاح آنان به ادامه زندگی زناشویی با تحمل و بردباری در مقابل همدیگر ترغیب می نماید. که در این مورد در سوره نساء آیه ۱۹ فرموده است: با همسران خود به طور شایسته در گفتار و کردار معاشرت نمایید و اگر از آن به دلایلی بد تان آمد شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید زیرا چه بسا از چیزهای بدتان بیاید ولی خداوند خیر و منافع فراوان در آن قرار داده باشد.

همچنین پیامبر در این مورد فرموده است:هیچ مرد مؤمن نباید با همسر مؤمنه اش دشمنی ورزد زیرا ممکن است اخلاقی را از او نپسندد ولی از اخلاق دیگر اوراضی باشد. رواه مسلم عن ابی هریره

علاوه بر مردان، اسلام زنان را نیز به صبر و شکیبایی فراخوانده و آنان را به تحمل و بردباری در مقابل مشکلات الی وارد امدن تغییر در خلق و خوی و وضع زندگی مرد دعوت کرده است. پیامبر در این مورد فرموده است: هر زنی که بدون دلیل و ناراحتی سخت برای طلاق شوهر ش را تحت فشار قرار بدهد بوی بهشت بر وی حرام خواهد بود.

از همین رو است که نظام حقو قی اسلام جهت جلوگیری از وقوع طلاق و حل و فصل منازعه زوجین، زوج را به روش های مطلوب و دوستانه ترغیب نموده و با بهترین و مناسب ترین راه و روش آنان را به موعظه و نصیحت در نهایت به ترک همبستری و در صورت عدم نتیجه به تعیین حکمین فرا خوانده است تا زندگی مشترک زوجین از هم نپاشیده و عواقب طلاق دامن گیر آنان و فرزندان شان نگردد.

در دوره جاهلیت هر گاه مردی می خواست می توانست زوجه اش را طلاق بدهد و دوباره به او مراجعت نماید. چنانچه حضرت عایشه (رض) می گوید که در دوره جاهلیت و آغاز اسلام مرد هر وقت زوجه اش را طلاق می داد و هر گاه قبل از انقضای عدت بر او مراجعت می کرد زوجه مطلقه خانم او پنداشته می شد بر او چند این کار را صد بار یا بیشتر از این انجام می داد. چنانچه مردی به زوجه اش گفت: به خدا سوگند هر گز ترا طلاق نمی دهم که به طور قطعی از من جدا گردی و طلاق تو باین گردد و هر گز ترا پناه نیز نخواهم داد و با تو همبستر نمی شوم. زن گفت: چگونه این کار را می کنی؟ گفت: تو را طلاق می دهم و همین که عده ات در شرف اتمام باشد به تو مراجعه می کنم و مجددا ترا طلاق می دهم و به همین طور ... زن مذکور پیش حضرت عایشه (رض) رفت و این ماجرا را برایش بیان کرد. زمانی که حضرت پیامبر (ص) امد حضرت عایشه این موضوع را برایش بازگو کرد.

پیامبر (ص) سکوت اختیار نمود تا اینکه آیه ای از قران کریم نازل شد و خداوند در سوره بقره آیه ۲۲۹ فرمود: « طلاق دادن دو بار است و در آن برای آنها حق بازگشت محفوظ است ولی پس از دو مرتبه طلاق شوهر باید یکی از این دو کار را انجام بدهد یا نگهداشتن زن به طور شایسته و عادلانه و یا جدایی از او به شیوه ای مطلوب بدون آنکه بر او ستم وجود داشته باشد.»

نظام حقوق اسلام طلاق را برای رعایت مصالح زوجین در صورت اشد ضرورت و در شرایط ویژه ای که دیگر چاره وجود ندارد مباح گردانیده است که حلال بودن ان در قران ، سنت ، اجماع و عقل ثابت شده است. آیاتی متعدد مبنی بر مباح بودن طلاق در قران آمده است. چنانچه خداوند کریم در سوره بقره آیه ۲۲۵ می فرماید: طلاق دادن دو بار است و در آن برای آنها حق بازگشت محفوظ است ولی پس از دو مرتبه طلاق شوهر باید یکی از این دو کار را انجام دهد یا نگهداشتن زن به طور شایسته و یا جدایی از او به شیوه مطلوب بدون آنکه بر او ستم وجود داشته باشد.

ادامه دارد

شماره ۲۰۳

د شفع د دعوی خرنگوالی...

په دی معنی چی شفعیان زیات وی ځینی یی حاضر او ځینی غایب وی نو قاضی به د حاضروله غوښتنی سره سم د هغوی په حق کی فیصله وکړی او غایب ته به اعتبار نه ورکوی که د ویش وروسته غایب شفیع حاضر او د شفع غوښتنه وکړی قاضی به دهغه د برخی په اړه پریکړی کوی.

ایا د شفع حق له مینځه تلای شی ؟ هو: هغه څه چی د شفع حق له مینځه وړی:

۱- کله چی شفیع خپله ځمکه د شفع دحق څخه مخته خرڅه کړی وی.

۲- شفیع د شفع د حق څڅه تیر او یا د شفع غوښتنه په اړه بی پروایی وکړی د مثال په توگه شفیع ووایی چه زه شفعه نه غواړم . شفیع د خرڅوونکی بیع ووینی او په داسی حال کی د شفع غوښتنه ونکړی.

۳- شفیع د پلورل شوی ځمکی د قیمت ضمانت وکړی.

۴- شفعه داسی یو حق ده چه تجزیه نه منی که د شفیع د حق لروونکی د شفع له یوه برخی څخه تیر شو نوشفعه کی ټول حق له لاسه ورکوی که د نیمایی مشفوع فیه غوښتنه وکړی په دی حال کی د شفع حق له مینځه نه ځی او شفیع دا حق لری چی ټوله ځمکه واخلی او یا داچی ټوله ځمکه پرېږدی.

۵- د شفع حق په میراث نه باتی کیږی که چیری شفیع مړ شی نو د شفع حق هم له مینځه زی.

اسلام و رهبری...

ملت یا جامعه جهانی را طراحی و تنظیم نمود. مطالعه تاریخ زندگی ملت‌ها و جوامع انسانی می‌تواند این ادعا را به اثبات برساند .

مدیر کیست و رهبری چیست؟

با آن‌که هدف شناخت و بررسی « رهبری » است؛ بی‌مناسبت نخواهد بود، بدانیم که رهبری و مدیریت چه تفاوت‌های دارند و خصوصیات هر کدام چه است. گفته شده است که، مدیر هم می‌تواند رهبر باشد و هم نمی‌تواند. زیرا مدیریت کیفیتی است که پایگاه اداری و رسمی دارد، بدین جهت در بخش‌های مختلف سازمانی مدیریت توزیع می‌شود و ویژگی‌ها و وظایف خاص خود را برای مدیریت لا زم دارد. و رهبری به لحاظ داشتن کیفیت فردی و ظرفیت نفوذی بر افراد و به علت ارتباطات موجود بین اعضا، مسئولیت‌ها و میزرات خاص خود را داردکه وی را از سایر اعضای گروه جدا و مستثنا می‌سازد. در تعریف کلاسیک، مدیریت کارکردن به وسیله دیگران تعریف شده است، بنا مدیر ممکن است برنامه ریزی کند، دستور بدهد، کنترل نماید استخدام کند، تقویض اختیار نماید، سازماندهی کند، تشویق و تنبیه نماید و مجازات کند و یا کارهای دیگری از این قبیل را به طوری منظم به انجام برساند. نحوه کار مهم نیست بلکه مهم اینست که مدیر از طریق کمک کردن به دیگران به منظور انجام وظایف شان به سمت یک هدف مشخص حرکت می‌کند. با توجه به مفاهیم فوق می‌توان گفت: مدیر کسی است که، کارها را به جای آن‌که خودش انجام دهد، فقط اداره می‌کند، مسئولیت مدیر آستین برزدن و انجام دادن کار، کارمندان نیست، بلکه مدیریت کار آن‌ها را به عهده دارد، هر گاه یک مدیر در نقش یک کار مند بطور سریع وارد پروژه کاری شود، این را باید بدانند که، وقت خود را به درستی و عاقلانه مصرف ننموده و به وظیفه خویش عمل نکرده است و از این که چه باید بکند آگاهی ندارد.

به عنوا واسطه بین کارمندان و مدیران رده‌های بالا تر، عمل نماید: مدیران نقش‌های بسیاری را بازی می‌نمایند و وظایف و جایگاه های متفاوت دارند. به عنوان مثال آن‌ها نقش پولیس راهنمایی، روانشناس، معلم، مشاور، دیپلمات و سفیرا را ایفا می‌نمایند. درآخرین نقشی که نام بردیم، یک مدیر باید به عنوان رابط بین آن‌ها یک کارها را انجام می‌دهند وآن‌هایکه به نتایج این کار نیاز مند هستند، به ایفای نقش بپر دازد. یک واسطه باید به عنوان یک محافظ، یک ستایش گر، یک مترجم و یک تأمین کنندای منابع لازم انجام وظیفه نماید تا مطمئن شود که کا را ها، با

صورت کی د دوهمی ویالی خواند د شفع حق لری که چیری د دوو کورونو ترمینخ دیوال شریک وی دواړه شریک فی المبیع دی خانکری خبره که یو څوک د ارتفاق له حق څخه پرته یوازی ځمکه خرڅه کړی نو په دی صورت کی د ارتفاق د شریکانو لپاره شفعه نشته د مدنی قانون د ۲۲۲۱ ماده په اساس که چیری د شفعی سبونه یو ځای شو نو قوی سبب ته ترجیح ورکول کیږی ؛ په دی اساس څوک چه په خپله عقار کي شریک وی ترهغی وروسته هغه شریک ته چه ترځمکه شریکه احاطه ولری ترهغی وروسته چه د خرڅ کړی شوی عقار په خاصو حقوقو کی شریک وی اوتر هغی وروسته متصل گاونډی ته د لمړی والی حق ورکول کیږی .

په بل عبارت که چیری شفعا له یوه څخه زیات وه او هر یوه د شفعه غوښتنه کوله او د حقوقو له پلوه ټول سره برابر نه وی د مثال په توگه یو شریک فی المبیع ، بل شریک په ارتفاق او بل کاوندیتوب وی په دی صورت کی شریک فی المبیع وړاندی دی وروسته ارتفاق او جار.

که چیری شفعی غوښتونکی ټول په یوه مرتبه کی وی د خرڅلا عقار د هغو له شمیر سره سم په برابره توگه ویشل کیږی او د ځمکو په برخو سره سم د شفعه د اتصال حق لرونکی دی.

که چیری شفعیان غایب وی او تر ویش وروسته راشی او د شفعی غو ښتنه وکړی

طی سال‌ها ی (۱۹۵۰)، رهبری در مفهوم قدرت هدایت و به اطاعت واداشتن زیر دستان قرار داشت بدین جهت قدرت در سازمان‌ها متمرکز بود. از طرف در امر رهبری، واداشتن افراد به اطاعت از متنفذین نیز پوشیده بود. علاوه براین داشتن عنوان رئیس یا مسؤل در سازمان‌ها موجب شده بود که امر رهبری مکمل این مرتبه قرار گیرد. بدین منوال مدیریت و رهبری، در توجه به عوامل اجتماعی – اقتصادی در راستای تولید وسیع اقتصادی، در مورد احترام واقع شدن قدرت قرار می‌گرفت. طی سال‌های ۱۹۸۰ در مدیریت نیروی انسانی تغییر حاصل شد. الگوی مدیریت سال‌های (۱۹۵۰) مورد اعتراض قرار گرفت و دیگر مدیران نمی‌توانستند در موقعیت رئیس که به امر و نهی می‌پرداخت، قرار گیرند، بدین جهت توجه خود را به رهبری نیروی انسانی از طریق روابط انسانی معطوف داشتند. دیگر بالا بردن صرف کیفیت تولید مورد توجه نبود، توجه به تمام نیروی انسانی با گسترش کیفیت آن‌ها، مکمل وظایف مدیریت قلمداد شد.

قران کریم در باره ضرورت مدیریت و رهبری در جامعه به عناوین مختلف، بیانات ارایه فرموده است که همه آن‌ها، تاکید براین موضوع دارد که جامعه بشری برای حفظ و تداوم حیات خود نیاز مبرم به مدیریت دارند. در این جا به برخی از این بیانات قرآنی، اشاره می‌شود: قران کریم در خصوص رهبری و مدیریت حضرت ابراهم می‌فرماید ترجمه: « آنگاه که خداوند ابراهیم را به انواع فرمان‌ها آزمایش کرد ، و با سر فرازی از آزمایش بیرون آمد، از جانب خداوند به او گفته شد، من تو را به امامت و مدیریت مردم برگزیده ام ابراهیم گفت: آیا این رهبری، به فرزندان من نیز خواهد رسید. خداوند فرمود: اگر جزء ستم کاران باشد، نه و این عهد به ظالمین نمی‌رسد.» امروز حتی درکشورها ی پیشرفته که معتقد اند نقش فرد به خاطر افزایش آگاهی‌های مردم کم ر نگ شده است، ملاحظه می‌شود که تغییر یک مدیر و یا رهبر شرکت و یا کارخانه نرخ سهام آن شرکت یا کارخانه را در بازارهای بورس تغییر می‌دهد و موجب تحلیل وتفسیرهای مختلف در موردان شرکت ویا سازمان می گردد. نگاهی به اهمیت رهبری در سطوح مختلف فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، چه در گذشته و چه امروز نشان می‌دهد که رهبران و مدیران نقش بسیار مهم واساسی را در همه زمینه‌های پیشرفت وحرکت‌ها ی اجتماعی به عهده دارند، و بدون توجه به آن نمی‌توان هدایت یک مجموعه اعم از یک گروه، یک سازمان،

 تتبع ونگارش : دوست محمد عارف

په دی دول سره د مدنی قانون د ۲۲۲۱ ماده کی یادونه شوی که د شفع حق لروونکی کسان شفع پرېږدی او یایی حق ساقط شی نو د عغه د شفعی حق بل چاته چه تر هغه وروسته مرتبی کي بی له فاصلی څخه واقع دی نقلیږی.

په کلی توگه د قانون ۲۲۴۸ ماده (شفع د ټوپ وهلو د غوښتنی په پریښودولو یا د هغی د صحت د شرطونو څخه دیوه شرط په اخلال ساقطیږی همدارنگه د شاهدانو د شاهدی د ادا کولو یا د دعوی د مودی په تیریدلو سره ساقطیږی .

کوم شفیع چه د سبب له پلوه پرنورو وړاندی وی په شفعی کښی خپل حق ساقط کړی او د حکم د صادریدلو تر مخه هغه هغه پرېږدی نو د هغه حق ساقطیږی ، نو شفعیان چه د هغه ورپسی درجی کی قرار لري که بی د ټولو شرطونو سره د شفعی غوښتنه کړی وی . ځمکه اخیستلی شي په هغی صورت کښی چی په شفعی وړونکی خپل حق د حکم د صادریدو وروسته ساقط کي ، نوحق نه ساقطیږی او نور شفعیان حق نه شی پیدا کوي . او دشفع حق د ځمکی اخیستونکی (مشتری) په مړینی نه ساقطیږی ، په ټولو حالاتو کي که د بیعی د ثبت په نیټی څلور میاشتی تیری شوي د شفع حق ساقطیږی. (مدنی قانون ۲۲۵۴ماده)

کار آیی بیشتری به انجام می‌رسند وکارمندان هم پس از پایان کار، مورد توجه و قدردانی قرار پی گیرند.

انصافا واژه رهبری با مسامحه و بی پروایی زیادی در سازمان‌ها بکار می‌رود و غالباً درکنار مدیریت بکار رفته است. درآین مورد مطالعات بسیاری بعمل آمده وتعاریف گوناگونی عرضه شده است، اما متأسفانه آن‌چه که غالباً نادیده گرفته می‌شود این است که بین مفاهیم «مدیریت» و« رهبری « تفاوت‌های اساسی وجود دارد. رهبر کسی است که پیروانی داشته باشد وهمین نکته نشان می‌دهد که همه مدیران رهبر نیستند، زیرامدیریت بمفهوم اداره کردن وکنترول کردن است، د حالیکه رهبری کردن به مفهوم هدایت کردن وکسی را به مقصد رساندن است. عده ای از محققین بدین باور اند که رهبر ان یک راهبرد سه مرحله موسوم به (رویا، درگیری، پشتکار) را اتخاذ می‌کنند وتلاش می‌نمایند در جهت تحقق این رویا، دیگران را شریک بسازند و برای رسیدن به هدف پشت کار دارند. افراد هم ازکسی پیروی می‌کنند که به او معتقد و به آرا و افکار وی باور مند و در وجود آن چیزی با ارزشی ملاحظه نمایند. د ر حوزه رهبری نمی‌توان فرمان صادرکرد که کسی به چیزی معتقد شود، بلکه تنها می‌توان اعتقاد افراد را تقویت نمود.

رهبر واقعی همواره فراتر از تصاویر حرکت می‌کند تا بتواند یک واقعیت جدید خلق کند. او رویایی را که در دیگران پرورانده است به واقعیت تبدیل می‌کند. د فرآیندی واقعیت بخشی به خود، رهبر به تمام آن چیزی که قادر است تبدیل می‌شود و به دیگران هم این باور مندی را می‌بخشد که آن‌ها نیز می‌توانند چنین کاری را به انجام برسانند. رهبر متعهد است، اومعتقد است که عملکردهای گروهی کل تیم است که با عث انجام گرفتن ماموریت‌های محوله می‌گردد. نتیجه اینکه دانشمندان علوم اجتماعی مفهوم رهبری را از ابعاد مختلف مورد بحث قرار می‌دهند؛ گروهی رهبری را بخش از وظایف مدیریت می‌دانند وگروهی دیگر برای رهبری مفهوم وسیع تر نسبت به مدیریت قایلند وآن‌را توانایی ترغیب دیگران به کوششی مشتاقانه جهت هدف‌های معین، می‌دانند. و سر انجام اگر رهبری، نفوذ در دیگران جهت کسب هدف باشد، مدیریت، نفوذ در دیگران جهت کسب اهداف سازمانی است. در رهبری اهداف می‌توانند گوناگون باشند ولی د مدیریت اهداف سازمانی اولویت دارد؛ در رهبری سلسله مراتب مطرح نیست و رهبر می‌تواند عضو سازمان نباشد.

ادامه دارد

تاریخچه زندان..

در سال (۱۵۵۷) م در لندن قصر متروکی به نام برودول bridwell برای نگهداری ولگردان اختصاص یافت، در این زندان کار الزامی و روش‌های تربیتی، در مورد محکومین اجرا می‌شد، در سال (۱۵۵۹) در آمستردام زندانی خاص جهت آموزش کار و تربیت مذهبی زندانیان افتتاح شد و از سال (۱۶۰۵) در این زندان حبس به روش انفرادی اجرا می‌شود. در سال (۱۶۲۳) در ناپل زندانی برای تفکیک زنان از مردان، اطفال از بزرگسالان به روش انفرادی بناء شد و در سال (۱۶۶۷) در فلورانس دارالتأدیب، جهت تربیت جوانان تأسیس شد، در سال (۱۷۰۳)در روم به امر پاپ کلمان (xi) زندانی تربیتی جوانان به روش انفرادی به نام «سن می‌شل»بناء و این جمله در آن حک شده است:«تنبیه بزهدکار با مجازات بی فایده است. بایستی با روش خاص آن‌ها را تربیت کرد.»در این زندان جوانان پسر کمتر از ۲۰ سال و اطفال طرد شده و در خطر به روش انفرادی توأم با کار نگهداری می‌شدند و در سال (۱۷۳۵) زندانی جهت نگهداری زنان به روش انفرادی در روم افتتاح شد.

در سال (۱۷۸۷) در امریکا بنژامین فرانکلین که به اروپا مسافرت کرده و با افکار و عقاید هوادار و بنتام آشنا شده بود، انجمن زندان‌ها را تشکیل و در سال (۱۷۹۰) در فیلادلفیا (ایالت پسیلوانئین امریکا) اولین زندان انفرادی را بنا کرد و در سال (۱۷۹۷) در انگلستان اولین زندان به روش انفرادی افتتاح شد، اجرای روش انفرادی نتایج تأسف انگیز داشت و اغلب زندانیان پس از تحمل چند سال مجازات مبتلا به بیماری های روانی شدند. در سال (۱۸۱۶) در ایالات نیویورک زندان ابرن (auburn)افتتاح شد و زندانیان روزها دسته جمعی با هم کار می‌کردند ولی حق حرف زدن با یکدیگر را نداشتند و شب‌ها به طور انفرادی به سر می‌بردند.

اما زندان‌های جمعی در اکثر کشورهای جهان، این امر یکی از مهم ترین ابزارهای دفاع اجتماعی در مقابل پدیده جرم و شخص مجرم به حساب می‌آید گفته می‌شود که زندان، عمری به درازای عمر بشر دارد و در کتاب های معتبر تاریخی، قانون نامه های دوران باستان، چون قانون نامه های مصر باستان، یونان باستان کم و بیش از زندان، حبس یا مکان های شبیه به آن سخن به میان آمده است، حتی به بزرگان یا افرادی چون یوسف صدید که مدت‌ها در بند بوده اشاره شده، در خاورمیانه قبل از اسلام زندان از جایگاه مستحکمی در میان مجازات‌ها بر خور دار نبوده است.

دوم- تاریخ زندان در اسلام: نخستین زندان در زمان عمر (رض) تأسیس شده است. گرچه برخی از مورخان اصرار دارند که در عصر سه خلیفه اول زندان به معنا محل خاص برای نگهداری مجرمان وجود نداشت، تنها در عصر علی (رض) بود که زندان ساخته شد، ولی این ادعا مخالف روایات بسیاری است که می‌گوید عمر(رض) نخستین کسی بود که اقدام به تأسیس زندان کرد، شاهد این سخن مطلبی است « این همان» در کتاب «شرح فتح القدر» که در فقه حنفی نوشته شده آورده است، او نقل می‌کند در عصر حضرت پیامبر(ص) و زمان خلافت ابوبکر(رض) زندانی وجود نداشت و مجرمان، یا در مسجد یا دالان خانه زندانی می‌شدند، تا این‌که حضرت عمر (رض) خانه‌ای را در مکه به چهار هزار درهم خرید و زندان قرار داد.

سوم- تاریخ زندان در افغانستان:

الف- وضعیت زندان‌ها قبل از سال ۱۳۹۸ هـ.ش، به روایت کسب تاریخی و اسناد معتبر موجود، و سرزمینی که امروز آن را بنام افغانستان می شناسیم زندان سابقه بسیار طولانی دارد. اسناد تاریخی دلالت بر موجودیت زندان‌ها به اشکال مختلف در نواحی متفاوت این مرز و بوم دارد که از قرن‌ها قبل موجود بوده و به شیوه های همان عصر، از آن استفاده به عمل می‌آمده است.

با ملاحظه اسناد تاریخی در می‌بایم که نظام عدلی و قضایی برای اولین بار در زمان زمامداری صفاری‌ها ۲۵۱– ۲۸۹ (۷۸۲– ۹۱۰م) به میان آمد و قضاء در پهلوی سایر بخش‌ها به عنوان یک رکن دولت عرض وجود نموده است. در زمان حکومت سامانی‌ها ۲۷۱– ۳۷۸ (۸۹۲ – ۹۹۹م) سیستم عدلی و قضایی نسبتاً پیشرفت نمود ولی نظر به اقتضای زمان امپراتور در مورد عقو، مجازات و تنظیم تمور زندان‌ها مشخصاً به صورت مستقیم دخیل بود. در زمان حکومت غزنویان ۳۴۱- ۵۲۷(۹۶۲ الی ۱۱۴۸م) سلسله مراتب قضایی در کشور معرفی گردید. برای اولین بار قاضی القضات در رأس قوه قضائیه توظیف گردید.

با وجود فراز و فرود زیاد وضعیت سیاسی در افغانستان، از اواسط ۱۲–۱۸م، شیوه‌های نگهداری و اداری زندان‌ها به شکل متحدالمال و بدون تغییرات از یک حکومت به حکومت دیگر انتقال می‌یافت. تا اینکه با آمدن حکومت امیرعبدالرحمان در ۱۲۵۹-۱۲۸۰ (۱۸۸۰-۱۹۰۱ م) وضعیت زندان‌ها تغییر یافت البته جزئی از تغییر مثبت نه، بلکه وضعیت زندان‌ها بدتر شد.

ب- وضعیت زندان‌ها بعد از سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹ م)، بعد ازبه کار آمدن حکومت شاه امان الله ، نقطه عطف توجه در تاریخ افغانستان می‌باشد که اصلاحات قضایی تحولات مثبت در اجراءات زندان‌ها از آن جمله می‌باشد.

ج- محبس پلچرخی، طرح ساخت یک زندان به شکل اساسی و پخته در یکی از نواحی ولایت کابل در زمان صدارت محمدهاشم ۱۳۱۲-۱۳۲۵ (۱۹۳۳-۱۹۴۶ م) مطرح گردید، زیرا در آن وقت امکان تطبیق نیافت. در زمان صدارت محمدداوودخان ۱۳۳۲-۱۳۴۲ (۱۹۵۳- ۱۹۶۳ م) مجدداً مطرح و مورد بحث قرار گرفت بازهم اقبال تحقق نیافت. در زمان حکومت صدراعظم نورمحمد اعتمادی ۱۳۴۶-۱۳۵۰ نیز مطرح گردید، ولی به دلیل کمبود منابع مالی باز هم تطبیق نشد. بالاخره

در زمان ریاست جمهوری محمدداوود ۱۳۵۲-۱۳۵۷ پلان اعمار زندان در ساحه پلچرخی کابل ابتدا مورد بازنگری قرار گرفت و در سال ۱۳۵۳ به کار عملی آن زیر عنوان پروژه محبس مرکزی پلچرخی در ساحه پروژه ارزان قیمت آغاز گردید و در نتیجه اعمار و مورد بهره برداری قرار گرفت.

فلسفه و اقسام زندان‌ها

عشق انسان‌ها به آزادی، از عشق سوزان او به تکامل و پیشرفت سرچشمه می‌گیرد، چراکه هیچ موجودی در اسارت نمی‌تواند به سیر تکامل خود ادامه دهد، حتی حیوانات از قفس رنج می‌برند، هرچند تمام وسایل زندگی‌شان در آن‌جا فراهم باشد، آزاد شدن از قفس را بر اسارت ترجیح می‌دهند حتی اگر در بیرون قفس انواع خطرات آن‌ها را تهدید کند و وسایل رفاهی او هم فراهم نباشد، به همین دلیل جاندارانی که در قفس اسیرند نه شوری در سر و نه نوابی در گلو و نه هیچانی در تن دارند، مگر این‌که متولد قفس بوده، و طعم آزادی را نچشیده باشد، اگر در حیوانات این مسئله به صورت یک گزینه نهفته است. در انسان این درک عاطفی با درک عقلی هماهنگ دلیل است، که یکی از انواع مجازات‌های سخت برای بشر سلب آزادی و زندان است، بی شک بیشتر زندان‌ها در طول تاریخ ظالمانه و به صورت ابزاری در دست افرادی خودکامه، کینه دوز و انتقام جو، برای رسیدن به مقاصد نا مشروع بوده است، ولی این مانع از فلسفه واقعی زندان، و آثار مثبت آن در اصلاح افراد مختلف و مبارزه بافساد اجتماعی نیست، این سلب آزادی، یک اهرم سنگین برای فشار روی افراد زندانی است، تا یکی از اهداف و فلسفه های ده گانه زیر تحقق یابد.

۱-زندان ایدایی و مجازاتی: این نوع زندان معمولاً برای کسانی است که مرتکب خلافی شده اند، آزادی آن‌ها را سلب می‌کنند تا متوجه زشتی اعمال خود بشوند، و در آینده از تکرار چنان اعمال خود پشیمان شوند و در آینده از تکرار چنان اعمالی خودداری کنند، دیگران نیز عبرت گیرند، این معمول ترین نوع زندان از قدیم تا کنون بوده است، و هرحکومتی برای خود چنین زندانی داشته (جز در موارد استثنایی).

الف: زندان اصلاحی، این نوع زندان در مورد کسانی است که به عادت پدی گرفتاراند، (مانند معتادان به مواد مخدر) و اندرزها و آموزش‌ها در آن‌ها تاثیر نمی‌گذارد، چاره جز این نیست که آن‌ها را از پیکر جامعه جدا کنند و مدت کوتاهی، یا طولانی در زندان بمانند، و اصلاح شوند، و اعتیاد خود را ترک گویند.

ب- زندان احتیاطی: حادثه مهمی مانند قتل نفس در جایی رخ می‌دهد که قاتل به درستی شناخته نیست ولی فرد یا افرادی متهم به قتل هستند، بدون شک باید در باره قاتل تحقیق شود؛ ولی ممکن متهم فرار کند و بعد از ثبوت مدارک کافی بر ارتکاب جرم، دسترسی به او نباشد.

در این جا متهم، یا متهمین را موقتاً باز داشت می‌کنند، پس از تحقیق اگر بی‌گناه کار باشند به جزای عمل خود می‌رسند. این نوع زندان نیز مانند انواع سابق تقریباً در همه جا معمول است، بدیهی است چون شخصی متهم ممکن است واقعا بی‌گناه باشد، باید هرچه زود تر تحقیقات در باره او انجام گیرد و دوران باز داشت او هرچه ممکن است کوتاه تر باشد. ج-زندان تأبیبی: این نوع زندان بیشتر در مورد کودکانی است، که مشمول قوانین نیستند، ولی اگر آزادی مطلق نیز به آن‌ها داده شود سوء استفاده کرده راه انحراف را پیش می‌گیرند، لذا در مقابل پاره ای از تخلفات آن‌ها را به زندان می‌افکنند تا تادیب و تربیت شوند.

د- زندان سیاسی: معولا زندانی سیاسی به کسانی می‌گویند که فعالیت‌های سیاسی آن‌ها مخالف مصالح جامعه و نظام موجود است گاهی نیز مخالف مصالح جامعه نیست، بلکه موافق آن است ولی با مصالح، یا مطامع رژیم خود کامه حاکم تضاد دارد مانند زندانیان سیاسی درسبازی از کشورهای دنیای امروز که افراد مخالف را هر چند در مسیر حق باشند به زندان می‌افکنند.

ط-زندانی استحقاقی: منظور از استحقاق در اینجا گرفتن حق است، مثلا گاه کسی طیبی از دیگری دارد که او در عین توانایی بر پرداخت از اداء دین خودداری می‌کند، در اینجا گاهی بدهکار را زندانی می‌کنند، تا تحت فشار قرار بگیرد و حاضر به ادای حق طلبکار گردد، البته در اینجا باید به محض این‌که آمادگی برای ادای دین پیدا کرد، از زندان آزاد شود، چون هدف و فلسفه زندان او پایان یافته است.

ز-زندان حفاظتی: این نوع زندان که به ندرت ممکن است صورت پیدا کند در مورد کسانی که مردم از آن‌ها سخت عصبانی هستند، به طوری که اگر آزاد مانند جانشان به خطر می‌افتد، در حالی که اگر مرتکب گناهی هم شده اند مستحق اعدام نمی‌باشند، در این جا حکومت که حافظ منافع مردم است برای فرونشستن آتش خشم مردم، این‌گونه افراد را مدتی به چهار دیواری زندان منتقل می‌کند که تا با عادی شدن شرایط و رفع خطر از آن‌ها آزاد شوند، البته همانگونه که گفتیم این نوع زندان بسیار کم است و معمولاً در انقلاب‌ها و طوفان‌های اجتماعی و هیجان احساسات عمومی مصداق پیدا می‌کند.

آن چه که تذکرده‌ه شد، فلسفه‌های معقولی است آن چه که برای زندان تصور می‌شود، دربرابر این فلسفه‌های معقول انگیزه‌های نا معقول و ظالمانه‌ای نیز وجود دارد که عامل اصلی بسیاری از زندان‌ها در دنیای دیروز و امروز بوده و هست و چند نوع زیر را می‌توان در این سلسله نام برد.

ی-زندان انتقامی: این نوع زندان، زندانی است که هیچ هدف معقولی ندارد و فقط جباران، یا اربابان ظام برای انتقام گرفتن از مردم آزاده، یا رعایایی که کینه و عداوت بنا حق از آن‌ها به دل دارند آن‌ها را زندان می‌افکنند و بسیار شده که در آن قدر می‌مانند که می‌پوسند و از بین می‌روند.

ادامه دارد...

آزادی مشروطه در حقوق

اختیار، خلاف بندگی، قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب است. رها شدن خلاص شدن.

آزادی در اصطلاح، به معنای مصوّن ماندن از اراده مستبدانه، فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسانی، سلب مانع ترقی و تکامل، داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد، مصوّن ماندن از اراده مستبدانه دیگران می باشد.به عبارت دیگر، آزادی در اصطلاح حقوق به معنای آزاد اندیشی انتخاب عقیده، اظهار نظر و حق انتخاب نظام اجتماعی دلخواه تجلی می‌یابد، گفتنی است که آزادی مورد نظر، در این مدخل از مقوله‌های روان شناختی، عرفانی و فلسفی نیست. واژه آزادی، به مفهوم مختلفی اشاره دارد، که شامل پایه‌ای خود مختاری، حکومت برخود و استقلال از یک سو، و توانایی کسب هدف‌ها از سوی دیگر می‌باشد، داشتن انتخاب های مختلف در مورد انجام یک کار، به این معنا است که اگر شخصی بخواهد آن را انجام دهد، هیچ چیز نباید او را از انجام آن باز دارد و اگر نخواهد آن را انجام دهد هیچ چیز نباید او را مجبور به انجام آن کند، حد بالای این قابلیت انتخاب این است که حتی عوامل درونی، روانی نیز مانعی در انجام انتخاب ایجاد نکنند.

آزادی، آزادی در و سع‌ترین معنای کلمه حالتی است که چیزی محدود به چیز های دیگر نباشد و بتواند در فضا جابجا شود، در مورد انسان حالتی است که در آن اراده شخصی برای رسیدن به مقصود خویش به مانعی برنخورد. هگل آخرین فیلسوف صاحب مکتب تاریخ فلسفه غرب، معتقد بود آزادی جوهر حیات است هم‌چنان‌که کشش جوهر آب در عین تمام تعاریف آمده از آزادی هرگونه فشار و اجبار بد نمی‌باشد، مثلا باز داشتن کسی که خود، یا دیگران را که آزار می‌رساند بد شمرده نمی‌شود، هم چنان‌که در یک نظم قانونی پذیرفته شده، هیچ کسی با محدودیت‌های قانونی مخالف نیست و از میان رفتن قانون آزادی به شمار نمی‌آید بلکه آشوب شمرده می‌شود.

آزادی مطلوب اسلام، اینست که بشر بتواند در سایه‌ی آن به حقوق طبیعی خود دست یابد، بنابراین، دانشمندان و عالمان باید با قلم و بیان خود امت را آگاه سازند و منافع مادی و معنوی وی را به او بشناسانند، تا در نتیجه عدالت و احساس و تعاون برنیکی، و تقوی بر روابط بین مردم حاکم شود و به موازات آن استبداد و خود کامگی از بین برود، هم‌چنین آزادی قلم و بیان به منظور افشاء حقایق انتقاد و از مفاسد است، تا از فساد حکومت و جامعه به هرشکل که باشد جلو گیری شود، حفظ حقوق خلق و تأمین و مصالح جامعه و قلع ماده ظلم و جنایت و خیانت، تحقق بخش ترقی و استکمال ملت است و این عین آزادی است.

مفهوم زندان: زندان در لغت به معنای محبس، بندیخانه، قیدخانه، حبس، سجن، جایی که متهمان و محکومان و تبهکاران را در آن نگاه دارند این کلمه در فرهنگستان زبان وادب فارسی به جای حبس پذیرفته شده است. به معنای دیگر، «زندان یکی از انواع تعزیرات و امور باز دارنده از تخلفات است، به علاوه گاه برای جلوگیری از فرار، یا تحت فشار قرار دادن بدهکاران برای ادای دیون، چاره‌ای جز بازداشت و زندانی کردن آن‌ها نیست.»

هم‌چنان بعضی از دانشمندان زندان را در معنای عام کلمه، محلی است که در آن‌جا متهمان، یا محکومان کیفری با قرار، یا حکم کتبی مقامات صلاحیت دار قانونی موقتاً، یا برای مدت معین و یا به طور دائم نگهداری می‌شو.

اصطلاحات حقوقی

۱.**اجراءات جزائی:** عبارت از پروسه کشف، تحقیق، تعقیب و محاکمه طبق احکام قانون می‌باشد.

۲.**استنطاق:** مطالبه بیان حقایق از مظنون است در رابطه به ارتکاب جرم ، نحوه و انگیزهٔ عمل در حدود احکام قانون. (فقره ۱۲ ماده ۴ ق.ا.ج)

۳.**اسناد:** اوراقی است که حاوی معلومات رسمی یا خصوصی به شمول اوراق تحقیق،گزارش اهل خبره، قرار یا حکم محکمه، نوشته ها، کتاب و یا امثال آن می‌باشد.
۴.**اقارب:** زوج و زوجه واصل و فروع آنها برای یکدیگر الی درجه دوم، پدر، مادر واصل آنها الی درجه دوم و برادر، خواهر، کاکا، ماما، خاله، عمه و فروع آنها الی درجه دوم می‌باشند.

۵.**اقرار:** اعتراف به ارتکاب جرم است ، بدون اکراه با رضایت کامل و درحالت صحت عقل در حضور محکمهٔ با صلاحیت.

^[1] اختیار، خلاف بندگی، قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب است

^[2] رها شدن خلاص شدن

^[3] مستبدانه، فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسانی



کابینه گزارش تقنینی ۱۳۹۸ و پلان تقنینی سال ۱۳۹۹ وزارت عدلیه را تصویب کرد

گزارشگر: بشیراحمد عزیز



اسلام و رهبری

تتبع ونگارش: فروزان «عزیزی»

واژه رهبری: رهبری مانندی چراغ سبز و درخشنده است که مدیر در فراز و نشیب‌های تاریخ مدیریت باید از آن استفاده نموده و مدیریت خویش را با رهبری بیارید. مدیر در نقش رهبر به منزله کسی است که می‌تواند در افراد زیر دست خود نفوذ غیر مرئی داشته و زیر دست قدرت و نفوذ او را بپذیرند. رهبری و هدایت زمان تحقق می‌آید که شخص بتواند افراد دیگر را به منظور نیل به هدف‌های پیش‌بینی شده به تلاش و فعالیت و ادار سازد، زیرا رهبری بر خلاف بسیاری از وظایف مدیریت، چون (برنامه ریزی، سازمان دهی) و وظیفه است کاملاً رفتاری که با درگیری فراوان در روابط شخصی سروکار دارد. به زبان ساده تر رهبری وظیفه است که ضمن آن مدیران می‌کوشند تا با ایجاد انگیزه و ارتباط مؤثر انجام سایر وظایف خود را در تحقق اهداف سهولت بخشیده و کارکنان را از روی میل و علاقه به انجام وظایف شان ترغیب نمایند. رهبری در مفهوم سازمانی جزء جدا از مدیریت نبوده، بلکه یکی از وظایف عمده و اصلی آن بشمار می‌آید، و از آن تعاریف زیادی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها را در ذیل می‌نگاریم.

یکی از متفکرین علوم انسانی بنام «تری» می‌گوید: «رهبری عبارت از فعالیتی است که مردم را برای تلاش مشتاقانه در جهت کسب اهداف گروهی تحت تأثیر قرار می‌دهد.» دانشمند دیگری بنام «دیویس» چنین بیان نموده است: «رهبری را توانای ترغیب دیگران به کوشش مشتاقانه جهت تحقق اهداف معین می‌داند. کتنز، در مورد تعریف رهبری گفته است: «تحت تأثیر قرار دادن دیگران را جهت کسب، هدف مشترک رهبری می‌گویند.» متفکرین دیگر بنام‌های هرسی و بلنچارد چنین ابراز نظر نموده اند: «هر وضعیتی که در آن سعی به تحت تأثیر در آوردن رفتار فرد یا گروه شود رهبری صورت گرفته است.»

مرور بر آثار سایر نویسندگان مدیریت آشکار می‌سازد که اغلب آنان توافق دارند که رهبری در پیرامون تأثیر گذاری بر فعالیت‌های یک فرد یا یک گروه است که در وضعیت معینی در جهت تحقق هدفی کوشش می‌کنند. واقعیت آن است که تفاوت چندانی بین تعاریف مختلف رهبری دیده نمی‌شود، این گونه احساس می‌شود که همه آنان از یک واقعیت (تحت تأثیر قرار دان رفتار دیگران) سخن می‌گویند. از تعاریف که بیان گردید به این نتیجه می‌رسیم که رهبری عبارت است از «قدرت تأثیر گذاری بر پیروان به نحوی که بر اساس میل و خواسته خود جهت تحقق اهداف، در موقعیت‌های شگوناگو حرکت کنند.»

تاریخچه رهبری:

سابقه مدیریت و رهبری به آغاز پیدایش انسان برگشته و عمری به درازای تاریخ خلقت دارد. از روزی که بشر، قدم در مغاره‌های سنگی گذاشت و برای فرار از حوادث آن روزگار و نجات از حملات حیوانات درنده، یا رهایی از گرمای تابستان و سرمای زمستان به غارها پنا برد که تا امروز هم چنان وجود دارد. گاهی سازند ه و کار آمد و زمان دیگر مخرب و ناسازگار. جریانی که بدون تردید تا فردا و فرداهای دیگری هم در برابر اقوام و ملت‌های بی شماری جهان، عرض اندام خواهد کرد. برخی از محققین و پژوهشگران بر این باوراند که این پدیده با شکل گیری نهاد خانواده مطرح شده است، و پدر به صفت رئیس خانواده وظایف متعددی را بر عهده داشته است که از جمله اداره اعضای خانواده و نگهداری آن‌ها در برابر تجاوز دیگران، هم چنین نظارت بر مقررات داخلی و رعایت آن توسط افراد خانواده بود. تنها سازمانی که وجود داشت و می‌توانست اعضای خویش را به رعایت قانون و مقررات غیر مدون، که مورد پذیرش همه قرار داشت، بطور عینی وادار، همانا واحد اجتماعی (خانواده) بوده است. اما با توسعه و تکامل زندگی انسان‌ها و بوجود آمدن قبایل و گروه‌های قومی، مفهوم مدیریت و رهبری نیز وسیع تر شده و از چارچوب خانواده‌ها به بیرون سرایت کرد، و در سطح بالاتر چون ریاست‌های قبایل، بزرگان قوم مطرح گردید. هر قدر که ساختارها و تشکیلات اجتماعی گسترش و توسعه یافت، مدیریت و رهبری از اهمیت خاص برخوردار گردید. چون وقتی دو یا چند نفر تشکیل یک گروه اجتماعی را می‌دهند و بایکدیگر رابطه برقرار می‌کنند، تأثیری که افراد این گروه، روی یکدیگر می‌گذارند، یکسان و برابر نیست؛ بلکه بعضی از افراد نقش فعال تری به خود گرفته و تأثیر بیشتری روی دیگران می‌گذارند و بطوریکه بیش از دیگران در گروه مورد توجه قرار می‌گردد و این زمینه آغاز پیدایش رهبری در گروه است.

ادامه در صفحه ۳

کابینه دولت جمهوری اسلامی افغانستان گزارش کامل اجراءات تقنینی سال ۱۳۹۸ وزارت عدلیه که شامل طی مراحل ۱۰۲ سند تقنینی، ارایه مشوره‌های قانونی، ابراز نظر حقوقی و قانونی درباره تفاهنامه‌ها و موافقتنامه‌ها، تصدیق اسناد رسمی و ترجمه این اسناد می‌شود را تصویب کرد.

همچنین پلان تقنینی سال ۱۳۹۹ وزارت عدلیه برای سال جاری، در جلسه کابینه که در روز دوشنبه، ۱۳ ثور برگزار گردیده بود، مورد تصویب قرار گرفت.

بر بنیاد این گزارش کامل تقنینی سال ۱۳۹۸، در این سال ۱۰۲ سند تقنینی از سوی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان طرح، تدقیق و طی مراحل شده است.

از این میان، ۹ سند تقنینی شامل قانون کادر علمی تخصصی طبی، قانون تنظیم امور زندان‌ها، طرح قانون اداره عالی بررسی، تعدیل و ایجاد در برخی مواد قانون تحصیلات عالی، لغو برخی از مواد قانون پولیس و قانون استملاک زمین پروژہ پایپ‌لاین گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند طی فرامین تقنینی ریاست جمهوری نشر و سپس به وزارت دولت در امور پارلمانی غرض ارایه به شورای ملی ارسال شده است.

همچنین ۳۰ سند تقنینی در این سال، از جمله طرح قانون دارالافتاء، طرح قانون جبران خساره قربانیان ملکی منازعه، طرح قانون حقوق و امتیازات بازماندگان شهدا و مفقودین و طرح قانون اداره بازرسی به کمیته قوانین کابینه ارسال شده است.

طرح ۲۸ سند تقنینی دیگر پس از تأیید کمیته قوانین کابینه به ریاست عمومی دفتر مقام عالی ریاست جمهوری ارسال شده تا به کابینه ارایه شود. این اسناد شامل طرح مقررہ تنظیم امور مشارکت عامه و خصوصی، طرح مقررہ تولید و توزیع مواد منفجره، طرح مقررہ تنظیم اعلانات تجارتي اجناس و خدمات، طرح مقررہ اعاده دارایی‌های

عالی، لغو برخی از مواد قانون پولیس و قانون استملاک زمین پروژہ پایپ‌لاین گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند طی فرامین تقنینی ریاست جمهوری نشر و سپس به وزارت دولت در امور پارلمانی غرض ارایه به شورای ملی ارسال شده است.

همچنین ۳۰ سند تقنینی در این سال، از جمله طرح قانون دارالافتاء، طرح قانون جبران خساره قربانیان ملکی منازعه، طرح قانون حقوق و امتیازات بازماندگان شهدا و مفقودین و طرح قانون اداره بازرسی به کمیته قوانین کابینه ارسال شده است.

طرح ۲۸ سند تقنینی دیگر پس از تأیید کمیته قوانین کابینه به ریاست عمومی دفتر مقام عالی ریاست جمهوری ارسال شده تا به کابینه ارایه شود. این اسناد شامل طرح مقررہ تنظیم امور مشارکت عامه و خصوصی، طرح مقررہ تولید و توزیع مواد منفجره، طرح مقررہ تنظیم اعلانات تجارتي اجناس و خدمات، طرح مقررہ اعاده دارایی‌های

عالی، لغو برخی از مواد قانون پولیس و قانون استملاک زمین پروژہ پایپ‌لاین گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند طی فرامین تقنینی ریاست جمهوری نشر و سپس به وزارت دولت در امور پارلمانی غرض ارایه به شورای ملی ارسال شده است.

غیر قانونی، طرح قانون حفاظت حیوانات وحشی، طرح مقررہ امنیت هوانوردی ملکی، طرح قانون پناهندگی، طرح قانون مراسم تحلیف، طرح قانون کار، پنج فرمان درمورد عفو و تخفیف و چندین سند دیگر می‌شود که به کابینه کشور ارایه شده است.

همین‌طور ۱۷ سند دیگر پس از تصویب کابینه غرض نشر به وزارت عدلیه مواصلت کرده است. همچنین چهار سند دیگر پس از تأیید در کابینه برای تصویب به شورای محترم ملی فرستاده شده است.

در کل در سال ۱۳۹۸، وزارت عدلیه علاوه بر طی مراحل ۱۰۲ سند تقنینی، ۴۱۰ مورد مشوره قانونی به وزارت‌ها و ادارات دولتی ارایه کرده، درباره ۱۶۴ موافقتنامه، تفاهنامه و قرارداد ابراز نظر قانونی کرده و ترجمه بیش از ۱۱۲ هزار سند رسمی را تصدیق کرده است. همچنین ۱۴۱ سند دیگر شامل اسناد تقنینی، فرامین و مصوبات، موافقتنامه‌ها، قراردادهای و استراتژی‌ها به زبان‌های ملی و بین‌المللی ترجمه شده است.

برگزاری موفقانه دوره سوم ستاز تقنینی برای ۱۳۷ تن، از دیگر کارکردهای وزارت عدلیه در سال ۱۳۹۸ است.

پلان تقنینی ۱۳۹۹ وزارت عدلیه برای سال ۱۳۹۹، طرح، تدقیق و طی مراحل ۶۰ سند تقنینی شامل، ۲۵ قانون، ۳۰ مقررہ و ۵ مورد تعدیل در اسناد تقنینی را برنامه‌ریزی کرده است.

طرح مقررہ موسسات تعلیمی خصوصی، طرح مقررہ تخلفات طبی، طرح قانون تفسیر قانون اساسی، طرح قانون اصول محاکمات اداری، طرح قانون تکافل، طرح قانون احصائیه، طرح قانون سایبری، طرح قانون نباتات طبی، طرح قانون شاروالی‌ها، طرح قانون کادستر، طرح قانون ثبت زمین، طرح قانون پولیس و طرح و تعدیل ۴۸ سند تقنینی دیگر در بخش‌های مدنی و اقتصادی شامل پلان کار تقنینی سال ۱۳۹۹ وزارت عدلیه شده است.

برگزاری موفقانه دوره سوم ستاز تقنینی برای ۱۳۷ تن، از دیگر کارکردهای وزارت عدلیه در سال ۱۳۹۸ است.

پلان تقنینی ۱۳۹۹ وزارت عدلیه برای سال ۱۳۹۹، طرح، تدقیق و طی مراحل ۶۰ سند تقنینی شامل، ۲۵ قانون، ۳۰ مقررہ و ۵ مورد تعدیل در اسناد تقنینی را برنامه‌ریزی کرده است.

طرح مقررہ موسسات تعلیمی خصوصی، طرح مقررہ تخلفات طبی، طرح قانون تفسیر قانون اساسی، طرح قانون اصول محاکمات اداری، طرح قانون تکافل، طرح قانون احصائیه، طرح قانون سایبری، طرح قانون نباتات طبی، طرح قانون شاروالی‌ها، طرح قانون کادستر، طرح قانون ثبت زمین، طرح قانون پولیس و طرح و تعدیل ۴۸ سند تقنینی دیگر در بخش‌های مدنی و اقتصادی شامل پلان کار تقنینی سال ۱۳۹۹ وزارت عدلیه شده است.

برگزاری موفقانه دوره سوم ستاز تقنینی برای ۱۳۷ تن، از دیگر کارکردهای وزارت عدلیه در سال ۱۳۹۸ است.

پلان تقنینی ۱۳۹۹ وزارت عدلیه برای سال ۱۳۹۹، طرح، تدقیق و طی مراحل ۶۰ سند تقنینی شامل، ۲۵ قانون، ۳۰ مقررہ و ۵ مورد تعدیل در اسناد تقنینی را برنامه‌ریزی کرده است.

طرح مقررہ موسسات تعلیمی خصوصی، طرح مقررہ تخلفات طبی، طرح قانون تفسیر قانون اساسی، طرح قانون اصول محاکمات اداری، طرح قانون تکافل، طرح قانون احصائیه، طرح قانون سایبری، طرح قانون نباتات طبی، طرح قانون شاروالی‌ها، طرح قانون کادستر، طرح قانون ثبت زمین، طرح قانون پولیس و طرح و تعدیل ۴۸ سند تقنینی دیگر در بخش‌های مدنی و اقتصادی شامل پلان کار تقنینی سال ۱۳۹۹ وزارت عدلیه شده است.

د شفع د دعوی خرنکوالی

تتبع ونگارش: محمد عارف صباح

ماده په مبيعہ کی شرکت : د شفعی اول حقدار ؛ هغه څوک دی چه په ملکیت کی شریک دی چی خرڅلاو ته وړاندی شوی وی که چیری هغه نه وی او یا دا چی د خپل حق څخه تیر شی . دویم حقدار ، د ارتفاق حق لرونکی شخص د شفع حق لرونکی دی که داهم نه وی او یا داچه دحق څخه تنازل وکړی بیا د گاونډیتوب حق دی او د امام ابو یوسف (رح) په وړاندی د شریک په شتون کی نورخلک له استحقاق څخه محروم او یوازی شریک د شفعه حق لرونکی بلل شوی دی او امام ابویوسف شریک فی المبیع اونور شفیعان د نږدی اولری نیاکانو په څیر قیاسوی او د امام محمد (رح) له نظره په خرڅیدونکی ملکیت کی شریک د اخیستلو لومړی حق لرونکی دی که چیری شریک د اخیستلو څخه تیر او یا نه وی نور شفیعان د شفع حق لرونکی

په شفعه کی حکم داده چی په ملکیت کی یا ملکیت ته نږدی دیو پردی او نوی شخص د رانوتو دوامداره زیان له منځه وړل دی ځکه په کډو ملکیتونو کی د راکړی ورکړی او کاونډی توب اړیکی خرابیږی د ستونزو د مخنیوی لپاره لومړی حق د شفعی د خاوند دی چه خرڅلاو ته وړاندی شوی ملکیت واخلی د احنافو په وړاندی د شفعی د استحقاق سببونه دری دی

۱- د خرڅلاوته وړاندی شوی څیز که شراکت

۲- د ارتفاق یعنی له حقوقو څخه په یوه حق کی کډون لکه لاره او یا ویا له کی شراکت .

۳- کاونډیتوب شراکت په شفعی کی دوه نوعی ده یو پخپله په خرڅ کړی شوی عقار کی شرکت اوبل د هغی په حقوقو کی شرکت (مدنی قانون ۲۲۱۵)

د شفع په هکله دمدنی قانون په ۲۲۱۳ ماده کی خاص قانونی حکومنه وضع شوی د قانون د احکام په مطابقت ویلی شو چه شفعی په لغت کی ضم (یو ځای کولو) او تقویت ته ویل کیږی او د شفعه دحق په اساس یو شخص د ملکیت مالک کیږی او په حقیقت کی خپل ملکیت څه زیاتوی .

په فقهی اصطلاح کی شفعه : د شریک هغه جبری حق دی چه دزیان دله منځه وړلو لپاره یو خرڅلا وته وړاندی شوی عقار د قیمت په بدل کی له پلورونکی څخه تر لاسه کوی .

د مدنی قانون ۲۲۱۳ ماده (شفع به اخیستونکی باندي دتول یا ځینی خرڅ شوی عقار د تملک دحق څخه د ښمن او هغه مصرفونو په بدل کی چه صورت یی موندلی عبارت ده که څه هم په جبری صورت سره وی)